

جنگ: مجازی یا حقیقی



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

به نظر می‌رسد تجاوزهای ۱۲اروزه و ۴۰اروزه و آنچه از صدمات به کشور وارد شده است و شهادت رهبر شهید، فرماندهان نظامی، کودکان مینابی و سایر شهدا و همچنین حضور تجاوزگر آمریکا و اسرائیل و نقشه‌های متجاوزانه و جنایتکارانه آنها جهت آینده برای برخی افراد همچون مطالب فضای مجازی یا بازی‌های جنگی ویدئویی جلوه می‌کند و به این باور نرسیده‌اند که درنده‌خوبی تجاوزکاران حسب آنچه واقعیت دارد و تاریخ نشان داده، همچنان باقی است و ما باید به مقاومت ادامه داده و شرایط مقاومت را برای کشورمان فراهم کنیم. برخی از مجازی‌اندیشان در اندیشه جنگ آخرالزمانی و ظهور حضرت حجت(عج) هستند و می‌گویند ظهور شروع شده و حتی با قربانی‌کردن ۵۰ درصد جمعیت باید به جنگ ادامه دهیم و دنیا را فتح کنیم. برخی دیگر می‌گویند باید شرایط آمریکا را پذیرفت و سازش کرد. هر دو نظریه از عداد نظرات مجازی است که حقیقتی را در بر ندارد. در این‌میان، دولت‌مردان و سیاست‌گذاران نیز بدون آنکه دقیقاً به حقایق کنونی و آینده بیندیشند، سیاست‌های مبهم و بی‌منطق در یک اقتصاد سلخته را که حتی در زمان صلح نیز مسئله‌آفرین است، در پی گرفته‌اند و آخرین آن هم نظرات بانک مرکزی درباره مسائل ارزی است.

ریاست محترم بانک مرکزی اعلام کردند که به‌زودی مبلغ دو میلیارد دلار ارز به بازار تزریق خواهد شد تا حباب قیمت ارز از بین برود. برای کسانی که چنین حرف‌هایی تاکنون شنیده‌اند، مثل کودکان دبستانی، ممکن است این نوع سخنان قابل باور باشد، اما کسانی که دهه‌های متوالی از این نوع سخنان شنیده‌اند، فقط لبخندی از ناباوری بر لبانشان می‌نشیند. حال ببینیم آیا این حرفی که ریاست بانک مرکزی زده‌اند، ماهیتا خوب است یا بد.

از همان اوایل پیروزی انقلاب و به‌خصوص در زمان دفاع مقدس، دولت برای اینکه کسری بودجه را تأمین کند، نسبت به فروش اسکناس دلار و سکه طلا در بازار به صورت غیررسمی و بدون اعلام و حتی آگاهی هیئت وزیران اقدام می‌کرد. البته ظاهراً مخفی نگه داشته می‌شد، اما مردم بازار می‌دانستند و معمولاً وقتی می‌گفتند بانک مرکزی از سوی دولت چنین می‌کند، حتی برای اعضای دولت قابل پذیرش نبود؛ زیرا چنین مسأله‌ای در صحن دولت هرگز مطرح نمی‌شد. آهسته‌آهسته فهمیدیم که این عمل واقعا انجام می‌شود. پس از مدتی برای آنکه مسئله ترمیم مالی دولت مطرح نشود، گفتند برای یکسان‌سازی ارز، به بازار ارز تزریق می‌کنیم. ده‌ها سال است که دولت مرتب به بازار ارز تزریق می‌کند و هیچ‌گاه قیمت ارز در کشور یکسان نشده و روز به روز پول ملی کشور در مقابل دلار تضعیف شده است. نتیجه این عمل آنکه مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۰۲ اعلام کرد در ۱۰ سال گذشته بیش از ۲۸۰ میلیارد دلار خروج سرمایه از کشور داشته‌ایم. این فقط یک سوی قصبه است. وجود ارز آزاد در بازار و تأمین آن از سوی بانک مرکزی، قاچاق کالا را در امان نگه می‌دارد؛ زیرا قاچاقچی‌ها درمی‌یابند که امکان تبدیل ریال حاصله از فروش کالای قاچاق به ارز خارجی در بازار ارز تهران کاملاً میسر و ممکن است. پس می‌بینیم که در دوره‌های مختلف بانک مرکزی همواره به کمک خارج‌کنندگان سرمایه و قاچاقچیان می‌شافته است، حال با استدلال یکسان‌سازی نرخ ارز یا تأمین کسری بودجه دولت و جالب است که همیشه خود را مبتکر می‌نامیدند؛ مثل فروش دو هزار دلار به هر کدملی یا ارز چهارهزار و ۳۰۰ تومانی به هر واردکننده. از آن سو، سیاست‌های مختلف و ضدونقیض بانک مرکزی درباره واردات کالا و نیازهای کارخانجات به استفاده از ارز صادراتی یآ... آنچنان دچار نوسان و تغییر بوده که شاید مشابه آن در هیچ کشوری یافت نشود. اینک که علاوه بر تحریم و قطع روابط بانکی بین‌المللی، به محاصره دریایی (و شاید بعداً زمینی) رسیده‌ایم و نیازهای ارزی‌مان فرونی یافته، اعلام بانک مرکزی مبنی بر ورود به بازار ارز، علاوه بر اینکه ماهیتاً نمی‌تواند روش مناسبی باشد، فقط به‌عنوان یک ژست ضد افزایش قیمت ارز تلقی می‌شود و عملاً نیز بی‌نتیجه خواهد بود. بیان ریاست بانک مرکزی به معنای پرپروند خزانه ارزی است، اما از سوی دیگر در جراید بسیار مطرح است که بانک مرکزی نتوانسته از کالای اساسی

خریداری‌شده توسط بخش خصوصی را که ظاهراً یک قلم ۱/۷ میلیارد دلار است، به واردکننده مربوطه بپردازد. خریداری‌شده توسط بخش خصوصی را که ظاهراً یک قلم ۱/۷ میلیارد دلار است، به واردکننده مربوطه بپردازد.

پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۵
۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۷۱
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید:
بازآرایی غرب در پی نشست گروه ۲۰ • صدور کیفرخواست علیه برخی مدیران ارشد فوتبال • افزایش قیمت طلا با سرعت کند

«شرق» از خسارت گسترده سیل به کشاورزان، دامداران، مرغداران و ماهیگیران شمال ایران گزارش می‌دهد

آوار سیلاب

شرق: سیل گیلان و مازندران دو قطب کشاورزی ایران را درنوردید و شالیزارها، مزارع، باغ‌ها، آب‌بندان‌های پرورش ماهی، دامداری‌ها و مرغداری‌های زیادی را تخریب کرد. وقوع سیل ویرانگر در استان‌های شمالی ایران در حالی رخ می‌دهد که کارشناسان می‌گویند در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ خورشیدی فقط پنج مورد سیل در مازندران رخ داده اما در سه دهه اخیر با وجود کاهش بارندگی وقوع سیلاب‌ها حدود شش برابر شده است. این کارشناسان تأکید می‌کنند که دست‌اندازی گسترده به منابع طبیعی، حریم رودخانه‌ها و بحران آب عوامل مهم وقوع سیلاب‌های ویرانگر هستند. بارش شدید باران از شب دوشنبه ۱۶ شهریور سیل و آب‌گرفتگی گسترده را در گیلان و مازندران به دنبال داشت. گزارش‌های هواشناسی نشان می‌دهد که بیشترین بارش‌ها در ۲۴ ساعت گذشته در مناطق مثل نوشهر، ایزدشهر و رودسر رخ داده و در برخی نقاط مازندران حتی بیش از ۲۲۰ میلی‌متر باران آمده است. این گزارش‌ها همچنین حاکی از هشدار سیلاب و رانش زمین در مازندران، مناطق ساحلی و دامنه‌های

سیل در استان گیلان

گزارش «شرق» از دور تازه درگیری‌های دریایی ایران و آمریکا به موازات معادلات جبهه یمن و لبنان

جنگ نفتکش‌ها

صفحه ۲

شرق

گفت‌وگو با سخنگوی انجمن علمی روان‌پزشکان ایران درباره چالش‌های پس از اقدام به خودکشی

از لبه مرگ تا مسیر بازگشت



ایران:نگارنگار در صفحه ۵ بخوانید عکس: علی توکل شرق



یادداشتی از احمد اشرف، نویسنده و پژوهشگر و جامعه‌شناس ایرانی، درباره ایران

سه دیدار با هویت ایرانی

در «شرق» امروز می‌خوانید:
بازآرایی غرب در پی نشست گروه ۲۰ • صدور کیفرخواست علیه برخی مدیران ارشد فوتبال • افزایش قیمت طلا با سرعت کند

برگزیده‌ها

رکورد انتخاباتی «آلترناتیو برای آلمان»، شکاف اقتصادی و سیاسی شرق و غرب را دوباره برجسته کرده است

نبرد بر سر آینده آلمان

از سهمیه سوخته چادرملو تا صندلی مشاوره؛ چرا McBennی رفت؟

سهل‌انگاری‌ای که فقط صندلی را جابه‌جا کرد

بیکر حواد مجابی در امام‌زاده طاهر آرام گرفت

شاعری که هرگز ناامید نمی‌شد

تحریم کانادا و اروپا علیه شهرک‌نشینان کرانه باختری

نگاه

حافظه بدن

یادداشتی از فاطمه عیسی‌زاده

فانتزی زندگی باثبات

یادداشتی از حامد خانجانی

نگاه

یادداشت

اقتصاد تاب‌آوری؛ آنچه آمارها نمی‌بیند



سیدفرید موسوی

نماینده‌مجلس

برای فهم آنچه در اقتصاد ایران می‌گذرد، آمارهای رسمی کافی نیست. تورم، رشد اقتصادی، قدرت خرید، بیکاری و خط فقر هرکدام بخشی از وضعیت را ثبت می‌کنند، اما پشت این اعداد، اقتصادی جریان دارد که کمتر اندازه‌گیری می‌شود؛ اقتصادی که در خانواده، محله، بازار و روابط روزمره مردم شکل گرفته و طی سال‌های سخت، بخشی از فشار معیشتی را جذب کرده است.

جامعه ایران بیش از یک دهه با تورم مزمن، تحریم، جهش‌های ارزی و نااطمینانی اقتصادی زندگی کرده است. در پنج سال اخیر، نوسان قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید نیز برنامه‌ریزی برای زندگی روزمره را دشوارتر کرده است. با این حال، بسیاری از خانواده‌ها راه‌هایی برای کنارآمدن با این شرایط ساخته‌اند که در محاسبات متعارف اقتصادی کمتر دیده می‌شود. کاسبی که به مشتری قدیمی خود نسیم می‌دهد، در عمل بخشی از کمبود نقدینگی او را پوشش می‌دهد. چند خانواده که صندوق قرض‌الحسنه تشکیل می‌دهند، برای خود یک شبکه کوچک تأمین مالی می‌سازند. خوشاوندانی که برای اجاره خانه، درمان، ازدواج یا راه‌اندازی یک کسب‌وکار پول جمع می‌کنند، ریسک را میان چند نفر تقسیم می‌کنند. حتی اعتبار شخصی افراد در بسیاری از معاملات خرد، کارکردی اقتصادی پیدا کرده است. این رفتارها بخشی از اقتصاد واقعی ایران هستند. هرجا دسترسی به اعتبار رسمی دشوار شده، روابط اجتماعی بخشی از فاصله را پر کرده‌اند. هرجا درآمد خانوار با هزینه‌های ماهانه همخوانی نداشته، قرض، نسیم، پس‌انداز گذشته یا حمایت نزدیکان وارد زندگی شده است. جامعه در عمل شبکه‌هایی برای تقسیم فشار ساخته است؛ شبکه‌هایی که شاید در ترازنامه بانک‌ها و حساب‌های ملی دیده نشوند، اما در دامن زندگی روزمره سهم دارند.

یادداشت

ما و میراث



ترانه‌یلدا

معمار و شهرساز

گردشگران از خدا می‌خواستند به ایران و خاورمیانه بیایند! مشکل اینجاست که با قوانین اخیر مصوب‌شده در مجلس در وضعیت جنگی، دیگر نه توریست‌های عادی خارجی به ایران می‌آیند، نه اگر هم بیایند کسی جرئت می‌کند با ایشان حرف بزند.

در صدای میراث، نجهم جهان تیغ نوشته است: «سرمایه‌گذاری مجموعه «دات‌وان» برای بافت تاریخی گرگان، به‌سرعت از یک موضوع اقتصادی و گردشگری به یک مناقشه رسانه‌ای تبدیل شد. نام «بابک زنجانی» کافی بود تا اصل ماجرا زیر سایه نام سرمایه‌گذار قرار بگیرد. عده‌ای از «فروش بافت تاریخی» گفتند و عده‌ای دیگر از یک فرصت بزرگ برای سرمایه‌گذاری و احیای بافت سخن گفتند. اما شاید پرسش دقیق‌تر این باشد که آیا باید درباره سرمایه‌گذار قضاوت کنیم یا مدل سرمایه‌گذاری؟ بافت تاریخی گرگان

یادداشت

لباس وصله‌پینه حقوق خانواده؛ چالش توازن حق‌ها



صالح نقره‌کار

وکیل دادگستری

- از این منظر، حبس بدهکار نتوان نهمتنها مسئله طلبکار را حل نمی‌کند، بلکه ممکن است توان اقتصادی بدهکار برای پرداخت دین را نیز از بین ببرد. فردی که به دلیل ناتوانی مالی زندانی می‌شود، شغل خود را از دست می‌دهد، درآمدش قطع می‌شود و خانواده‌اش نیز با بحران مواجه می‌شوند. در چنین وضعیتی، زندان ممکن است به جای آنکه وسیله اجرای حق باشد، به مانعی برای اجرای حق تبدیل شود.
- نگاه مقنن به حقوق خانواده باید از سنتی به روزآمد و خردپاور تبدیل شود. جامعه عوض شده و نقش زن تغییر کرده است. اجتهاد قهقی ریشه در فرزند زمانه بودن مقنن دارد. زن امروز شأن اجتماعی و شغل می‌خواهد. حقوق مالی را طالب است. تنها ۱۳ درصد اشتغال کشور سهم زنان است. آن وقت این سلاح را از او بگیریم چه به او واگذار می‌شود؟ مسئله حضانت و سن آن هنوز یک چالش در عمل است. قاعده تنصیف اموال آن‌سان که باید رواج ندارد. ۲۷ میلیون زن متاهل داریم و همه اینها حقوق برابر در مسکن و شغل و تحصیل و خروج از کشور می‌خواهند. حمایت‌های مالی شامل ارث و دیه باید بازبینی جدی و فقهی شود. ما به اجتهاد به‌روز محتاجیم.
- اصلاح دفترچه‌های سند ازدواج باید مورد توجه باشد. به جای تعارف و رودریاستی و کتمان باید زوجین حین عقد آگاه به اهمیت حق طلاق برای هر دو طرف باشند. نصف اموال حاصل از دوران عقد یک امر متناظر اطمینان‌بخش است. مال موجود باید مینا باشد نه مالی که هیچ‌وقت نبوده و نیست و فقط آوار ادعای دروغ آن با حبس ماباز دارد.
- حقوق کیفری باید آخرین ابزار حاکمیت باشد، نه نخستین ابزار حل اختلافات مالی. اگر ضمانت اجرای حبس به‌گونه‌ای طراحی شود که صرف عدم پرداخت دین، بدون احراز سوبیت، تقلب یا استطاعت مالی، زمینه سلب آزادی را فراهم کند، مرز میان مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری مخدوش خواهد شد.
- گاه با جوانانی مواجه هستیم که زندگی سابه‌ای و گیاهی دارند و از بدو ازدواج اموال خود را به نام دیگران منتقل می‌کنند. این خود یک معضل پرفساد است. چرا بار محکمه‌ها را سنگین می‌کنیم؟ مالکیت خصوصی محترم است، اما اجرای حق طلبکار نباید به نابودی حداقل‌های زندگی بدهکار و خانواده او منجر شود.

^[1]
^[2]
^[3]
^[4]
^[5]
^[6]
^[7]
^[8]
^[9]
^[10]
^[11]
^[12]
^[13]
^[14]
^[15]
^[16]
^[17]
^[18]
^[19]
^[20]
^[21]
^[22]
^[23]
^[24]
^[25]
^[26]
^[27]
^[28]
^[29]
^[30]
^[31]
^[32]
^[33]
^[34]
^[35]
^[36]
^[37]
^[38]
^[39]
^[40]
^[41]
^[42]
^[43]
^[44]
^[45]
^[46]
^[47]
^[48]
^[49]
^[50]
^[51]
^[52]
^[53]
^[54]
^[55]
^[56]
^[57]
^[58]
^[59]
^[60]
^[61]
^[62]
^[63]
^[64]
^[65]
^[66]
^[67]
^[68]
^[69]
^[70]
^[71]
^[72]
^[73]
^[74]
^[75]
^[76]
^[77]
^[78]
^[79]
^[80]
^[81]
^[82]
^[83]
^[84]
^[85]
^[86]
^[87]
^[88]
^[89]
^[90]
^[91]
^[92]
^[93]
^[94]
^[95]
^[96]
^[97]
^[98]
^[99]
^[100]